

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

سیدموسی عثمان هستی
۲۶ جنوری ۲۰۱۴

تبصره خبرنگار بینام بر سوالات خبرنگار ماندگار



زمانی آن ملت گردید سر افراز
که ملیت ها به هم گردید دمساز
طبعیت ملتی را سرنگون کرد
که رهبرانش به دشمن شده‌مراز
شاعری وزن و بی ترازو

وقتی که مصاحبه سیاف با آقای نظری پریانی را خواندم چیزی که توجه مرا به این مصاحبه جلب کرد نکات ذیل بود:

جناب استاد؛ سپاس فراوان از این که حاضر به یک گفت‌وگوی ویژه باروزنامه ماندگار شدید. شکی نیست که شمارا همه مردم می‌شناسند؛ امامی‌خواهم یکبار دیگر خودتان را معرفی کنید؟
نام من عبدالرب الرسول سیاف است. پدرم فقیر محمد نام داشت.

صاحب این قلم اورا به نام عبدالرسول سیاف می‌شناسد نه تنها من تمام همدوره ها عبدالرب رسول سیاف امروز رابه نام عبدالرسول سیاف می‌شناختند و در سوانح قلمی آن که به قلم خودش نوشته شده در پوهنتون کابل موجود است نه عبدالرب سیاف عبدالرسول سیاف است. خبرنگار سایت ماندگار با وجودی که می‌دانست این نام توسط عرب های القاعده نه توسط سیاف به خاطری که نام اول او از نگاه معنی درست نبود و سیاف هم به این غلطی سالها حتی در جامعه از هر پی نبرده بود. وقتی که به پشاور رفت او را خرفهم کردند. کسی که ادعای دین و دین داری می‌کند و خود را قلمداد دانشمند می‌کند او حتی نمی‌داند که نام او هم از نگاه دینی و مذهبی نادرست است. بنیادگرایان که موی از خمیر دین جدامی کنند او را متوجه کردند که نام خود را استاد ماندی و می‌گوئی که من در زبان عربی یدطولا دارم و استاد فاکولته شرعیات بودم فرق

عبدالرب و عبدالرسول را کرده نتوانستی و امروز می خواهی به حیث یک دانشمند دینی و سیاسی خود را قلمداد و در انتخابات برنده شوی.

و هم خبرنگار کنایه آمیزی گوید (همه ترمای شناسند) روزی پرسبچه ای رابه دربار خلیفه بغداد آوردند وزیر دربار خلیفه بغداد به خلیفه گفت که این پرسبچه شش ساله نابغه است. خلیفه بغداد به خاطری که تیزهوشی پرسرش ساله را امتحان کند گفت چیزی را که تمام ادیان می شناسد و برابر با خداهشهرت دارد چیست؟ گفت: شیطان. گفت به کدام منطق می گوئی شیطان. طفل نابغه گفت خدا را با سواد و بی سواد می شناسد و شیطان را هم با سواد و بی سواد می شناسند و برتری شیطان در شهرتش این است که مردم او را زیادتر از خدای می شناسند و ترس از آن دارند. در اینجا هم هر چند خبرنگار مقصد خود را واضح بیان نکرده مگر در لابه لای سوالات خود چلو صاف شیطان را از آب بیرون کرده است که هزار آفرین به این خبرنگار باهوش!

سیاف گفته مکتب ابتدائیه را در پغمان خواند متوسطه را در کابل و بعد به مدرسه دینی رفتم رسول سیاف تا صنف ۹ در این سینا به کمک حفیظ الله امین درس خواند و این که چرا از این سینا خارج شده و به مدرسه دینی رفته از شرم آن نام از این سینا نبرده و هم عبدالرسول سیاف گفته چند وقت را در زندان سپری کردم بعد به پشاور رفتم و تاسقوط حکومت داکتر نجیب الله در پشاور مجاهد بودم ولی نگفته که چرا دیگر همسنگران آن را از قلعه کرنیل دهمزنگ به پلچرخ بردند ولی عبدالرسول سیاف را به پلچرخ انتقال ندادند و او را در توقیف کابل بردند و نان تا روزگشته شدن حفیظ الله امین از دربار به سیاف داده شد. حفیظ دره و باعث را در زندان گشتند و تا آمدن ببرک کارمل سیاف در توقیف کابل زندانی بود کارمل در جمله دیگر زندانی ها خلیل زمر را نکرده ولی عبدالرسول سیاف را به دستور روس رها کرد و عبدالرسول سیاف توسط قاضی حبیب الله رامین از ولسوالی خوست و فرنگ ولایت بغلان که از همصنفان عبدالرب سیاف بود به پاکستان در همان روز انتقال داده شد. آی اس آی که از سالها منتظر او بود از این زنده ماندن هم از خیرات حفیظ الله امین بود و می توان حفیظ الله امین را هم در جهاد عبدالرسول سیاف شریک دانست، استفاده نموده، او را به ریاست رسانید.

خبرنگار بازرنگی خاص سؤال می کند ما دقیقاً در سالی قرار گرفتیم که مردم از آن نگرانی هائی داشتند و تبلیغات زیادی هم پیش از این در مورد این سال وجود داشت و انتخابات هم در همین سال برگزار می شود؛ نگاه شما به سال ۲۰۱۴ چیست؟

من بسیار نگران نیستم؛ فقط چیزی که یگان وقت اسباب نگرانی ام می شود یک نوع پراکندگی و تشتی است که در خود ملت وجود دارد.

اگر تلاش صورت بگیرد تا ملت باهم نزدیک باشد، یک وحدت ملی دقیق و درست تأمین شود، این موارد به توفیق خداوند ج ما را در ایستاده شدن در مقابل دشواری ها یاری می رساند. زمانی که در میان ملت درزی ایجاد می شود، دشمنان بیشتر استفاده می برند.

مقصود از در ز در بین ملت اعتراف غیر مستقیم سیاف به جنگ های افشار توسط سیاف و شورای نظار بوده که در افشار قتل عام کردند. زنان و دختران جوان را به پنج شیر بردند به اوباشان جهادی دخترک های نوجوان بیگانه هزاره دادند و از آن روز تا امروز نه تاریخ نه ملیت های افغانستان آن جنایت عبدالرسول سیاف و احمدشاه مسعود را فراموش نکرده اند و تا این دنیا است تاریخ فراموش نمی کند وقتی که از آن جنایت ها یاد می شود اینها یادآوری آن جنایت ها را غیر مستقیم درز انداختن می پندارند می گویند.

پدرکشتی و تخم کین کاشتی

پدرکشته را کی بود آشتی

نگاه شمابه آزادی‌های فردی و آزادی بیان چیست؟

به تمام معنی به آزادی بیان و آزادی فردی هم معتقد و هم متعهد هستیم؛ به شرطی که در چارچوب ارزش‌های اسلامی و انسانی باشد.

این تصویرممثل جواب سیاف است که در لابه لای کلمات بازرنگی خاص بازی کرده و نیاز به تشریح و تبصره بیشتر ندارد.

